

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار - حبذا نسيم وصال وزید...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۳۸۸)، صفحه ۷۲۵ - ۷۲۰

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

حبذا نسیم وصال وزید و عرف لقا در این حین که پنجساعت بغروب مانده متضوّع گشت چه که نامه نامی با مرده‌های روحانی معنوی رسید باب حقیقت را گشود عهد حضور را تازه نمود فی الحقیقه قلم آیه بزرگ است از مالک قدم و مداد باب اعظم محبت و اتحاد این دو لازال محرک جبل محبت بوده و هستند اگر عنایات حقّ جلّ جلاله و همچنین آثار و اثاریکه در باره این دو مقدر شده ظاهر شود عالم را تحیر اخذ نماید جلّ خالقهما و مربّیها و موجد هما این یوم بیست و چهارم شهر مبارک رمضانست ساعت هفت این فانی در محلّ ساکن و صامت کتاب مبین وارد یعنی دستخط آن حضرت صوم را افطاری بود حقیقی و طلب و اشتیاق را وصالی بود معنوی نفحه خامه بشأنی متضوّع که روایح کسالت و هموم و غموم را از میان برداشت روح و قلب لله الحمد بطراز فرح و سرور مزین و بعد از قرائت و نشاط و انبساط قصد مقام نموده تلقاء وجه بشرف اصغا فائز لسان بیان باین کلمات عالیات ناطق.

هو السّامع البصیر یا افنّانی علیک سلام الله و رحمته عبد حاضر با نامه حاضر امام وجه قرائت نمود از هر حرفی عرف خلوص و خضوع و خشوع و ذکر و ثناء لله تبارک و تعالی متضوّع هر کلمه از کلماتش بافصح بیان شاهد و گواه بر توجّه و اقبال و استقامت هنیئاً لک و مرئاً لک قد اخذت کأس العرفان من ید العطاء و شربت منها باسم الله العزیز البدیع سدره مبارکه افنائش را ذکر نموده و مینماید عنایتش در جمیع احوال شامل بوده و هست هو معکم ایما تكونوا لله الحمد ذا کرید و هم متذکّر عالم را نوم اوهام از مشاهده انوار حقیقت و ادراک تجلّیات نیر عنایت حق منع نموده سبحان الله امّت مرحومه الی حین از سبب ظهور بلایاو قضایا و ذلّت کبری غافل و محجوبند مدن و دیار اهل توحید محاط و مشرکین محیط هر یوم از اریاح قاصفه شجره ای منقعر و سراجی منطفی این مرض اعظم اقلیم اهل توحید را اخذ نموده معذک در صدد رفع این بلای ادهم نبوده و نیستند از حقّ جلّ جلاله سائل و آملیم که از نسائم فجر روحانی عباد را آگاهی عطا فرماید شاید از نوم غفلت سر برآرند و علی ما ینبغی قیام نمایند شریعت الله عباد را حفظ فرماید و خشیه الله از مناهی باز دارد و حال این دو بمثابه کبریت احمر کیاب طوبی از برای نفوسی که بناموس اکبر و قانون اعظم تمسّک جسته اند نشهد انهم من فوارس مضمار العرفان بین الادیان لم یمنعهم شی من الاشیاء و لا تحجبهم سُبُحات العالم و لا



ORIGINAL

حجبات الامم اولئك عباد وصفهم الله في محكم كتابه بقوله لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله طوبى لك يا افنانى نسأل الله ان يفتح على وجهك ابواب النعمة والبركة ويقدر لك ما يقربك اليه في جميع الاحوال انه هوالمقتدر الفرد الواحد العزيز الفضال يا سيد آقا عليك عناية الله مالک الاسماء و فاطر السماء ذكرت در ساحت مظلوم مذکور و عنايتش شامل الحمد لله فائز شدی بآنچه که مقصود از آفرینش بوده السلام و البهاء عليكم يا افنانى و رحمة الله و بركاته و عناية الله و الطافه انتهى تجليات انوار آفتاب توحيد حقيقى بر آن حضرت تابیده و امطار رحمت رحمانى بر وجود ذبيحود باریده صد هزار شکر مقصود عالميانرا که مع احاطه اعدا و سطوت امرا و علمای ايران راه مواصلت و معاشرت باخبار و آثار مفتوح و مشهود اين نعمت يگنا را السن از عهده شکر بر نياید مگر عنايتش دست گیرد و شکرش لازال بر شاكرين سبقت داشته و حمدش بر حامدين و رحمتش بر اهل سموات و ارضين اين ايام حكومت تبديل شده از حق ميطلبم سرير حكم را بهيكل عدل و انصاف مزین دارد انه على كل شئ قدير اين خادم فانی از حق باقى سائل و آمل که آن حضرت را مطلع انتشار آيات و احکامش فرمايد و معدن فيوضات و اينکه ذکر جناب آقاخان و ورود او مع نفوس اخرى و همچنين نصيحت و صحبت با او را مرقوم داشتند اين يکى از آثار سفر آن حضرت بوده اين فقره دليل است بر ترويح و اراده حق جلّ جلاله و همچنين شاهد و گوا هست بر مبارکى و عنايت حقيقى و بعد از عرض اين فقره امام وجه فرمودند مؤيد شدند بر القاء کلمه حق و القا نمودند آنچه را که هدايتى بود ظاهر و نصيحتى بود هويدا يا افنانى عليك سلام الله و عنايته اين مظلوم در جميع احوال کلمه الله را باعلى النداء فرموده و کلّ را بما يحفظهم و ينفعهم و يؤيدهم دعوت نموده در يکى از الواح مقدسه اين مضمون مرقوم اگر اينمظلوم را در دريا غرق نمايند از جبال سر بر آرد و الملک لله گويد و اگر در ارض تحت طبقات آن دفن نمايند از سماء ندائش ظاهر شود و عباد را بفردوس اعلى کشاند مانع در آن ساحت معدوم و حجاب مفقود الامر پيده يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد و هو العزيز الحميد در اين ليل مکرر ذکر مذکور عباد اگر اقبال نمايند بما ينفعهم فائز گشته اند و اگر اعراض کنند انه غنى عنهم يشهد بذلك کتابه المبين در حين بلا و بأسا و ضرا ناطق و بآنچه سبب فوز اعظم و هدايت امم بود من غير ستر گفته حال مظلوم و افنائش بحکمت و بيان متمسک و بما يهدى العباد الى الصراط متکلم من شاء فيقبل و من شاء فليعرض انه هو الفرد الواحد الغنى العليم الحكيم انتهى از سماء بيان بشأنى امطار نازل که مجال حفظ و عرض نبوده و نيست الا على قدر معلوم اينکه در ذکر آن ارض مرقوم داشتند فى الحقيقة حرّيت و مدنيت و اسباب آن يوماً فيوماً در تزايد است مخصوص حال که محل و مقرّ آن حضرت واقع شده و اينکه مرقوم داشتند دکان خالى و لوح توکلت على الله آويزان فى الحقيقة بضاعت خيلى کامل است و عند الله عظيم بعد از عرض اين فقره امام وجه فرمودند اين کلمه عليا بمثابه مغناطيس است بل اعظم جذب مينمايد آنچه را که سبب نعمت و برکت و تقرب الى الله است اين نعمت را شبه و مثل نبوده و نيست له الحمد على ما قدر لافئانه و نسأله ان يمدّه بجنود العناية و اللطاف انه هو القوى القدير انتهى از کلمه بسيار تبسم فرمودند و فرمودند آنچه را که اثرش در عالم مکنون و مستور است سوف يظهره الله امراً من عنده و هو الفيّاض الكريم خدمت محبوب فؤاد جناب آقا سيد آقا عليه ٦٦٩ الابهى سلام ميرسانم و ذکر مينمايم حق شاهد و گواه که لازال امام وجه خادم حاضر بوده و هستند اسأله تعالى ان يجعله من تراجمة الوحى و الالهام انه هو العزيز العلام البهاء و الذکر و الثناء على حضرتكم و على من معكم و يحبكم و يسمع قولكم فى امر الله ربّ العالمين .

خادم فى ٢٤ رمضان المبارك سنة ١٣٠٥